

## تعليق مجازات شروع به سرقت مسلحانه و تبديل مجازات حبس در بزه خيانت در امانت

اميد شهبازي\*

سينا قلفي\*\*

### مشخصات رأی

شماره دادنامه بدوی: ۹۴۰۹۹۷۰۲۱۱۷۰۰۴۵۴

تاریخ صدور رأی بدوی: ۱۳۹۴/۶/۲۲

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۱۱۵۹ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی بعثت تهران

شماره دادنامه تجدیدنظر: ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۵۸۰۰۷۰۳

تاریخ صدور رأی تجدیدنظر: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مستقر در دادگاه انقلاب اسلامی

اتهام: شروع به سرقت مسلحانه با کلت و مقرون به آزار، نگهداری دو قبضه کلت و دو عدد فشنگ و خیانت در امانت، فروش دو قبضه کلت و دو عدد فشنگ

### ۱. خلاصه جریان پرونده و رأی

در این پرونده با دو متهم روبه‌رو هستیم. اتهامات متهم ردیف اول عبارت است از شروع به سرقت مسلحانه با کلت و مقرون به آزار، نگهداری دو قبضه کلت و دو عدد فشنگ و خیانت در امانت. اتهام متهم ردیف دوم نیز فروش دو قبضه کلت و دو عدد فشنگ است. شعبه ۱۱۵۹ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی بعثت تهران، با توجه به محتویات پرونده، کیفرخواست تقدیمی دادسرا، شکایت شکات، گزارش و

\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری؛ پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضاییه

omid.sh1993@gmail.com

sina.gholfi1994@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری

تحقیقات مرجع انتظامی و اقرار متهمان در نهایت بزه‌کاری آنان را محرز و مسلم تشخیص داده و مستند به مواد ۱۲۲ و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مواد ۶۵۲ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) و بند (پ) ماده ۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات غیرمجاز (مصوب ۱۳۹۰)، متهم ردیف اول را از حیث شروع به سرقت مسلحانه با کلت و مقرون به آزار، به تحمل شش سال حبس تعزیری درجه چهار و از حیث نگهداری دو قبضه کلت کم‌ری و لوازم جانبی، به پنج سال و یک روز حبس تعزیری درجه چهار و ضبط اسلحه و متعلقات مکشوفه به نفع دولت و از حیث خیانت‌درامانت، به سه سال حبس تعزیری و متهم ردیف دوم را به لحاظ وضع خاص وی و فقد سابقه کیفری مؤثر، به تحمل سه سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبل محکوم می‌نماید. در پایان، دادگاه مقرر می‌دارد در مورد متهم ردیف اول، صرفاً مجازات اشد اجرا می‌شود.

در پی تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیهیم از رأی صادره، پرونده به شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مستقر در دادگاه انقلاب اسلامی ارجاع می‌گردد. شعبه مذکور با ملاحظه محتویات پرونده و لایحه اعتراضی تجدیدنظرخواهان‌ها و تعیین وقت رسیدگی و تشکیل جلسه دادرسی و استماع اظهارات آن‌ها و با توجه به اینکه از ناحیه ایشان ایراد و اشکال موجه و مؤثری ارائه نگردیده است، موجبی برای نقض رأی صادره نمی‌یابد. منتها شعبه مذکور مستند به مواد ۴۶ و ۵۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) و با عنایت به فقد سابقه کیفری، وضعیت خاص خانوادگی تجدیدنظرخواهان‌ها و اظهار ندامت و پشیمانی و خصیصه بازدارندگی احکام تعلیقی اجرای سه سال حبس متهم ردیف دوم و اجرای دوسوم از شش سال حبس شروع به سرقت و یک‌دوم از پنج سال حبس موضوع بزه نگهداری کلت متهم ردیف اول را به مدت چهار سال تعلیق می‌نماید و با استناد به مواد ۱۹، ۳۷، ۳۸ و ۶۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، سه سال حبس موضوع بزه خیانت‌درامانت متهم ردیف اول را تخفیفاً به ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه در حق صندوق دولت تبدیل می‌کند. در پایان، دادگاه تجدیدنظر دادنامه معترض‌عنه را با تعلیق و تخفیف صورت‌گرفته تأیید می‌نماید.

## ۲. نقد و بررسی

آراء صادره از لحاظ شکل نگارش و به کارگیری عبارات و اصطلاحات حقوقی و همچنین مستند بودن به قانون، از استحکام و صلابت حقوقی برخوردار می‌باشد. از سویی دیگر، ترتیب مطالب در آراء صادره به روشنی و درستی صورت گرفته است، چراکه قضات ابتدا به بیان مشخصات اصحاب دعوا و اتهام هریک از متهمین پرداخته، سپس ادله موجود در پرونده را مورد بررسی قرار داده‌اند. سرانجام، حضوری بودن رأی و مهلت و قابلیت تجدیدنظرخواهی آن به درستی اعلام شده است.

نکته دیگر اینکه یکی از اتهامات انتسابی، نگهداری و فروش دو قبضه کلت و دو عدد فشنگ عنوان شده است. با توجه به رأی وحدت‌رویه شماره ۷۲۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رسیدگی به بزه فوق در صلاحیت دادگاه عمومی است که در پرونده حاضر به درستی و به تمامی مورد رسیدگی قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

در کنار محاسن فوق، به نظر می‌رسد آراء صادره، دارای ایرادات «شکلی» و «ماهوی» به شرح ذیل است:

### ۱.۲. ایرادات شکلی رأی صادره

**الف.** آراء صادره در استناد به قوانین، در دو مورد با اشتباه مواجه است: نخست اینکه قضات به جای ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) - که مرتبط با شروع به جرم است - به ماده ۱۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) - که

---

۱. چون ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ که مقصود از قاچاق اسلحه را وارد کردن به مملکت و یا صادر کردن از آن یا خرید و فروش و یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و نگاه داشتن آن در داخل مملکت عنوان کرده بود، طبق ماده ۲۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ لغو گردیده و در ماده یک این قانون قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل وارد کردن آنها به کشور یا خارج نمودن آنها از کشور به طور غیرمجاز تعریف شده است، لذا به نظر اکثریت اعضاء هیئت عمومی دیوان عالی کشور خرید و فروش، حمل و نقل، مخفی کردن و نگاه داشتن سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به طور غیرمجاز از شمول عنوان قاچاق، خارج و رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه عمومی است. این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری صادر شده و برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مرتبط با تحقیق بازپرس خارج از حوزه قضایی است - استناد کرده‌اند؛ دوم، استناد به ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، در پرونده مورد بحث موضوعاً منتفی است؛ چراکه ماده مذکور در مقام بیان، یکی از مواردی است که دادگاه الزاماً باید به جای مجازات حبس، به مجازات جایگزین حکم دهد و آن مربوط به «جرائم عمدی دارای حداکثر مجازات قانونی سه ماه حبس است» درحالی که مجازات قانونی بزه خیانت‌درامانت، مطابق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) (تعزیرات)، معادل «شش ماه تا سه سال حبس» می‌باشد؛ بنابراین، اشاره قضات به ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، به‌عنوان مستند تبدیل مجازات حبس بزه خیانت‌درامانت به جزای نقدی، فاقد وجهت قانونی است.

ب. یکی از شاخصه‌های رأی قوی و متقن، مستدل بودن آن است. درواقع، تمام احکام و آراء صادره از ناحیه مراجع ذیصلاح باید مستدل و متکی به دلایل باشند. با این مقدمه باید بیان نمود: درخصوص عنصر قانونی شروع به سرقت مسلحانه که در رأی صادره مورد اشاره قرار گرفته است، در حال حاضر با دو ماده قانونی روبه‌رو هستیم: نخست، ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) که به‌صورت کلی مجازات شروع به جرائم مختلف را بیان کرده است؛<sup>۱</sup> دوم، ماده ۶۵۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) (تعزیرات) که به‌صورت خاص، مجازات شروع به سرقت را معین کرده است.<sup>۲</sup> با اینکه مجازات مقرر در ماده اخیر<sup>۳</sup> خفیف‌تر از مجازات مقرر در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی<sup>۴</sup> است بی‌آنکه صراحتاً نسخ شده باشد اما قضات

۱. ماده ۱۲۲: هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به‌واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف. در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار

ب. در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج

پ. در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

۲. ماده ۶۵۵ مجازات شروع به سرقت‌های مذکور در مواد قبل تا پنج سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه می‌باشد.

۳. تا پنج سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق

۴. حبس بیش از ۲ تا ۵ سال

بدون هیچ‌گونه استدلالی، مجازات را براساس ماده ۱۲۲ در نظر گرفته‌اند. درحالی‌که بهتر می‌بود دلایل عدول از ماده ۶۵۵ را به‌صراحت بیان می‌کردند.

## ۲.۲. ایرادات ماهوی رأی صادره

**الف.** دادگاه بدوی در تعیین یکی از مجازات‌های متهم ردیف اول با اشتباه مواجه شده است. با این توضیح که مجازات جرم تام سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، حسب ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) (تعزیرات) معادل سه ماه تا ده سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه است.<sup>۱</sup> این مجازات مستند به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مجازات تعزیری درجه چهار محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> مطابق بند (ب) ماده ۱۲۲ قانون فوق‌الذکر، مجازات شروع به جرائمی که مجازات قانونی آنها حبس تعزیری درجه چهار می‌باشد، معادل حبس تعزیری درجه پنج است (بیش از دو تا پنج سال)؛ نظر به اینکه متهم ردیف اول، مرتکب سه جرم شده است؛ بنابراین، مستند به قسمت اول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، دادگاه ملزم به تعیین حداکثر مجازات می‌باشد و همان‌گونه که بیان شد حداکثر مجازات بزه شروع به سرقت مسلحانه مقرون به آزار، پنج سال حبس است حال آنکه دادگاه بدوی به شش سال حبس حکم داده است.

**ب.** یکی از اتهامات مطرح‌شده در این پرونده، شروع به سرقت مسلحانه مقرون به آزار است که در مرحله بدوی، منجر به صدور حکم به شش سال حبس تعزیری درجه چهار شد. قضات در مرحله تجدیدنظر با توجه به فقد سابقه کیفری، وضعیت خاص خانوادگی متهم و اظهار ندامت و پشیمانی وی و با امعان‌نظر به خصیصه بازدارندگی احکام تعلیقی مستنداً به ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، اجرای دوسوم از شش سال حبس مقرر را به مدت چهار سال تعلیق کرده‌اند.

---

۱. ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات) - هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد.

۲. ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ - مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

درجه ۴ - حبس بیش از پنج تا ده سال - جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال - انفضال دائم از خدمات

قانون گذار در ماده ۴۷ موارد ممنوعیت تعلیق اجرای مجازات را به شرح ذیل اعلام کرده است: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست: الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات؛ ب - جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی؛ پ - قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا؛ ت - قاچاق عمده مواد مخدر یا روان گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان؛ ث - تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الأرض؛ ج - جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال».

با توجه به تصریح صدر ماده فوق که در واقع شروع به جرائم مذکور در ماده را هم غیرقابل تعلیق می‌داند، همچنین با عنایت به تصریح بند (ب) می‌توان اظهار داشت: اقدام دادگاه تجدیدنظر مبنی بر تعلیق اجرای مجازات بزه شروع به سرقت مسلحانه مقرون به آزار، فاقد هرگونه وجهت قانونی است.

ج. اتهام دیگر مطرح شده در پرونده، کلاهبرداری است. دادگاه بدوی با تغییر عنوان اتهامی از «کلاهبرداری» به «خیانت‌درامانت»، در نهایت به سه سال حبس تعزیری حکم می‌دهد. دادگاه تجدیدنظر مستند به مواد ۱۹، ۳۷، ۳۸ و ۶۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات سه سال حبس موضوع بزه خیانت‌درامانت را به پرداخت مبلغ ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه در حق صندوق دولت تبدیل می‌نماید. باید دید از لحاظ قانونی، دادگاه چنین اختیاری دارد یا خیر؟ توجه به مواد استنادی در دادنامه، بیانگر این امر است که دادگاه تجدیدنظر برای تبدیل مجازات حبس بزه خیانت‌درامانت، مقررات تخفیف (مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و مجازات‌های جایگزین حبس (مواد ۶۴ به بعد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) را توأمان مدنظر قرار داده است، لذا هر دو دسته مقررات را مورد بررسی قرار می‌دهیم. با توجه به دلایل ذیل می‌توان گفت دادگاه براساس مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، بی‌آنکه اجازه تبدیل مجازات حبس را داشته باشد صرفاً مجاز به تقلیل مجازات حبس خواهد بود.

۱. صراحت بند (الف) ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) دلالت بر تقلیل دارد نه تبدیل (چنانکه تصریح بندهای (ب) و (پ) ماده مذکور دلالت بر تبدیل دارند)، چراکه «تقلیل و تبدیل» هم از نظر لغوی و هم از نظر اصطلاحی با هم متفاوت بوده و اقتضای حکمت قانون‌گذار ایجاب می‌کند که در به‌کارگیری و استفاده از کلمات و عبارات، عبث و غیرهدفمند عمل نکند.

۲. قانون‌گذار با پیش‌بینی فصل نهم با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» موضوع تبدیل مجازات حبس را از تقلیل آن تفکیک کرده و سازوکاری نظام‌مند برای تبدیل مجازات حبس اتخاذ نموده است؛ بنابراین، استناد به مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) جهت تبدیل مجازات، به‌نوعی نقض غرض قانون‌گذار می‌باشد.

۳. بند (الف) ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) صرفاً برای «تقلیل حبس»، و نه «تبدیل مجازات»، حد و مرز مشخص کرده است. و آن به معنای اعطاء اختیارات بی‌حد و حصر به قاضی است. این امر از یک‌سو در تعارض با فصل نهم قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) (مجازات‌های جایگزین حبس) است و از سوی دیگر، دادن اختیار بی‌حد و حصر به قاضی، می‌تواند تالی فاسد بسیاری داشته باشد.

۴. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۹۳/۷۲۸-۱۳۹۳/۳/۳۱ اشعار می‌دارد: «قانون‌گذار در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به دادگاه این اختیار را داده که در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، مجازات تعزیری را به شرح بندهای ذیل همین ماده، تقلیل یا تبدیل نماید. در مورد بند (الف) که صرفاً تقلیل حبس است، دادگاه نمی‌تواند حبس را به مجازات دیگری تبدیل نماید، بلکه یک تا سه درجه، حبس را تقلیل می‌دهد ولی در بند (ت) ماده ۳۷ قانون مذکور، قانون‌گذار اجازه داده است که سایر مجازات‌های تعزیری را به میزان یک تا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر تقلیل دهد»<sup>۱</sup>.

با توجه به مطالب فوق مشخص می‌شود که دادگاه تجدیدنظر، امکان و اجازه تبدیل سه سال حبس بزه خیانت‌درامانت را مستند به مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی نداشته است، چراکه مواد مذکور صرفاً اجازه تقلیل مجازات حبس را به دادگاه داده‌اند.

مسئله بعد، امکان تبدیل مجازات حبس بزه خیانت‌درامانت به جزای نقدی، مستند به مقررات مجازات‌های جایگزین حبس (مواد ۶۴ به بعد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) است. قانون‌گذار در جرائم عمدی در سه مورد، اجازه اعمال مجازات‌های جایگزین حبس را صادر کرده است: ۱- جرائم عمدی با مجازات قانونی حداکثر سه ماه حبس؛ ۲- جرائم عمدی با مجازات قانونی حداکثر ۹۱ روز تا شش ماه حبس؛ ۳- جرائم عمدی با حداکثر مجازات قانونی بیش از شش ماه تا یک سال حبس. در واقع، به جز سه مورد فوق، صدور حکم به مجازات جایگزین حبس در جرائم عمدی، ممنوع است.

نگاهی اجمالی به میزان مجازات قانونی بزه خیانت‌درامانت<sup>۱</sup> نشان‌دهنده آن است که این میزان مجازات، مشمول هیچ‌یک از موارد فوق نمی‌گردد؛ بنابراین، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در خصوص بزه خیانت‌درامانت به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست.

ممکن است بیان شود قضاوت ابتدا مجازات را به کمتر از یک سال تخفیف داده، سپس مجازات‌های جایگزین حبس را اعمال کرده‌اند. در پاسخ باید گفت از یک‌سو مطابق ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، «در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به

شماره ۷/۹۳/۷۲۸ - ۹۳/۳/۳۱، نظریه شماره ۷/۹۲/۱۶۳۶ - ۹۲/۸/۲۵، نظریه شماره

۷/۹۳/۱۹۹۶ - ۹۳/۸/۲۵ و نظریه شماره ۷/۱۲۰۱ - ۹۲/۶/۲۰، نظریه شماره ۷/۹۹۳ - ۹۲/۵/۳۰،

نظریه شماره ۷/۹۷۲ - ۹۲/۵/۲۸ و نظریه شماره ۷/۹۲/۲۱۱۷ - ۹۲/۱۱/۶ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۱. ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) (تعزیرات): هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا

نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به‌عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا

هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده‌شده و بنابراین بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به

مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها

استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.



کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید». از سویی دیگر، قانون‌گذار برای اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، مجازات مقرر قانونی را مدنظر قرار داده است نه مجازات قضایی را. فلذا حتی در صورت تخفیف مجازات حبس به کمتر از یک سال، دادگاه امکان و اجازه اعمال مجازات‌های جایگزین حبس را نداشته است.